

ORIGINAL ARTICLE

A Philosophical Redefinition of "Humility" Based on the Principles of Transcendent Philosophy (Ḥikmat-I Muta'Āliya)

Hosein Ahmadi

Associate Professor, Department of Philosophy, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran.

Correspondence:
Hosein Ahmadi

Email: h.ahmadi@iki.ac.ir

Received: 24 May 2026

Accepted: 07 Sep 2026

How to cite:

Ahmadi, H. (2026). A Philosophical Redefinition of "Humility" Based on the Principles of Transcendent Philosophy (Ḥikmat-I Muta'Āliya). SADRĀ'I WISDOM, 14(2), 151-164. (DOI:10.30473/PMS.2026.78052.2203)

ABSTRACT

Humility is one of the most widely used ethical concepts, regarding which thinkers have presented various accounts of its essence. Given the benefits of humility for all members of society, especially the ruler, it is necessary to determine the correct domain of humility so that it is not confused with similar concepts such as reprehensible abasement (dhillāh). This research categorizes the definitions of humility and aims to examine its essence and domain from the perspective of Transcendent Philosophy (Ḥikmat-i Šadrā'ī). Although Mullā Šadrā does not explicitly address humility, one can infer its essence based on his philosophical thought and the views of thinkers who have founded their philosophy upon Transcendent Philosophy. The chosen definition in this research is consistent with fundamental principles such as the principality of existence (aṣālat al-wujūd), the gradedness of existence (tashkīk al-wujūd), substantial motion (al-ḥarakat al-jawhariyyah), and the rule of the simple truth (qā'idat baṣīṭ al-ḥaqīqah), according to which true superiority is traced back to the intensity and richness of existence, and the existential course of human being is directed towards Absolute Perfection. The results of this research, which is conducted using a descriptive-analytical method, indicate that in order to achieve a proper semantics, a connection must be established between the specific characteristic of the concept and the goal of ethics. From the perspective of Muslim thinkers, the goal of ethics is proximity (qurb) to Absolute Perfection. Humility is then defined as modesty before the higher authority of God. Accordingly, acts of modesty that are not related to God are not considered humility. Therefore, modesty shown before those of lower status without regard to the Absolute Higher Authority is a form of reprehensible subservience (tadhallul). However, ultimate abasement before God is regarded as a form of good humility.

KEYWORDS

Humility, Philosophy of Ethics, Sadrian Philosophy, Semantics of Ethics, divine proximity, self-degradation..



دوفصلنامه حکمت صدرایی

سال چهاردهم، شماره دوم، پیاپی بیست و هشتم، بهار و تابستان ۱۴۰۵ (۱۵۱-۱۶۴)

DOI: 10.30473/PMS.2026.78052.2203

«مقاله پژوهشی»

بازتعریف فلسفی «تواضع» براساس مبانی حکمت صدرایی

حسین احمدی

چکیده

تواضع یکی از مفاهیم پرکاربرد اخلاقی است که اندیشمندان درباره چستی آن بیان‌های گوناگونی ارائه داده‌اند. با توجه به منافع تواضع برای همه افراد، به‌ویژه حاکم جامعه، تعیین قلمروی صحیح تواضع ضروری است تا با مفاهیم مشابه مانند ذلت مذموم خلط نشود. این تحقیق به دسته‌بندی تعاریف تواضع از منظر اندیشمندان صدرایی پرداخته و قصد دارد بر اساس مبانی حکمت صدرایی، «تواضع» را به‌عنوان یکی از صفات نفسانی بازتعریف کند. اگرچه ملاصدرا تصریحی درباره تواضع ندارد اما می‌توان به پشتوانه اندیشه فلسفی وی و اندیشمندانی که حکمت خود را بر پایه حکمت صدرایی بنیان نهاده‌اند، چستی تواضع را بر پایه حکمت صدرایی استنتاج کرد و به نتایج مفیدی رسید؛ تعریف برگزیده در این تحقیق، با اصول بنیادینی همچون اصالت وجود، تشکیک در وجود، حرکت جوهری و قاعده بسیط الحقیقه هماهنگ است که بر اساس آن، فراتری واقعی به شدت و غنای وجودی و سیر تکاملی انسان به سوی کمال مطلق بازگردانده می‌شود؛ نتایج این تحقیق، که بر اساس روش توصیفی-تحلیلی ارائه می‌شود، نشان می‌دهد که برای دستیابی به معناشناسی، میان ویژگی خاص مفهوم و هدف اخلاق باید ارتباطی برقرار کرد. هدف اخلاق از منظر اندیشمندان صدرایی، قرب به کمال مطلق است. تواضع نیز به فروتنی در مقابل فراتری تعریف می‌شود که تنها مصداق فراتر مطلق خداست؛ پس فروتنی‌های غیر مرتبط با خدا به عنوان تواضع محسوب نمی‌شوند و فروتنی در مقابل فروتران که بدون توجه به فراتر مطلق باشد، از نوع تذلل قبیح است؛ در صورتی که نهایت ذلت در مقابل خدا به عنوان نوعی تواضع خوب، تلقی می‌شود.

واژه‌های کلیدی

تواضع، حکمت صدرایی، فلسفه اخلاق، معناشناسی اخلاق، قرب الهی، تذلل.

دانشیار، رشته فلسفه، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ایران.

نویسنده مسئول:

حسین احمدی

رایانامه: h.ahmadi@iki.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۳/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۱۶

استناد به این مقاله:

احمدی، حسین. (۱۴۰۵). بازتعریف فلسفی «تواضع» براساس مبانی حکمت صدرایی. دوفصلنامه حکمت صدرایی، ۱۴(۲)، ۱۵۱-۱۶۴. (DOI: 10.30473/PMS.2026.78052.2203)



مقدمه

فلسفه اخلاق به دانشی اطلاق می‌شود که به مبادی تصویری و تصدیقی علم اخلاق می‌پردازد که در این دانش به مباحث معاشناسانه، هستی‌شناسانه، معرفت‌شناسانه و منطقی علم اخلاق پرداخته می‌شود؛ معاشناسی اخلاق بیشتر به معاشناسی مفاهیم تصویری اخلاقی می‌پردازد (وارنوک، ۱۳۶۸: ۱۳۸). مفاهیم تصویری اخلاقی سه دسته‌اند: دسته اول آن مفاهیم اخلاقی که در موضوع جمله‌های اخلاقی قرار می‌گیرند؛ مانند عدالت، حکمت و تواضع؛ دسته دوم آن مفاهیم اخلاقی که در محمول جمله‌های اخلاقی قرار می‌گیرند که اندیشمندان فلسفه اخلاقی این مفاهیم را در دو گروه مفاهیم ارزشی مانند خوب و بد و مفاهیم الزامی مانند باید و نباید جمع‌آوری می‌کنند؛ دسته سوم آن مفاهیم مربوط به اخلاق که در موضوع و محمول جمله اخلاقی به کار نمی‌روند، اما با اخلاق مرتبط‌اند؛ مانند مفاهیمی که بیان‌کننده هدف اخلاق‌اند که به دلیل فعل یا صفت اختیاری نبودن در جمله اخلاقی به کار نمی‌روند (مصباح یزدی، ۱۳۸۶ الف: ۳۷-۴۰)؛ پس مفاهیم اخلاقی، به مفاهیمی گفته می‌شود که یا در موضوع یا در محمول جمله‌های اخلاقی به کار می‌روند یا مانند هدف افعال و صفات اخلاقی با اخلاق مرتبط هستند و تواضع از مفاهیم دسته اول است.

تبیین و بررسی معاشناسی اخلاق از آن جهت مهم است که اولاً نشان از واقع‌گرا بودن یا معتقد به غیرواقع‌گرایی اخلاقی انسان است؛ ثانیاً تبیین صحیح از تواضع اخلاقی، سبب تحصیل منافع تواضع خواهد شد همانطور که خطا در معاشناسی مفاهیم اخلاقی سبب خطا در فهم و عمل به آن خواهد شد و به جای کسب منفعت سبب سلب منفعت و کسب مفساد خواهد شد؛ زیرا در قلمروی تواضع ممدوح و ذلت مذموم مرز باریکی وجود دارد که توجه به آن حائز اهمیت است؛ ثالثاً تواضع در نظر برخی اندیشمندان از مبادی ارزش محسوب می‌شود (علامه طباطبایی، ۱۳۸۷: ۱۸۰/۱) و برخی آن را منشأ هر خیری دانسته‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۲۴۲/۱) و همچنین برخی روایات نیز تواضع را رأس هر خوبی می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۲۳/۷۲) که رأس الخیر التواضع.

نکته بعد این است که معاشناسی غیر از لغت‌شناسی مفاهیم اخلاقی است که در آن، معنای استعمالی و عرفی یک واژه را در ادبیات و زبان‌شناسی تبیین می‌کنند؛ بلکه معاشناسی، روی دیگر هستی‌شناسی است که به وسیله آن می‌توان به حقایق و اژگان پی برد. از این رو برخی بر تفکیک معاشناسی فلسفه اخلاق از لغت‌شناسی و زبان‌شناسی تأکید کرده‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۷۸:

۲۰۶/۱-۲۰۵)؛ زیرا مباحث زبان‌شناسی به فلسفه و هستی‌شناسی ربطی ندارد و قراردادی و اعتباری به حساب می‌آید، اما زمانی که بحث از واقع‌نمایی یک اصطلاح پیش آید، بحث فلسفی رخ نمایان می‌کند.

بحث از چیستی و قلمروی تواضع به عنوان یکی از مفاهیم پرکاربرد اخلاقی از آن جهت ضرورت دارد که از جهتی قرآن وجود تواضع را مایه حق‌طلبی و هدایت انسان‌ها دانسته است (مائده: ۸۲-۸۳)؛ برخی اندیشمندان نیز به فطری بودن آن اعم از فطرت بینشی و گرایشی اشاره کرده‌اند (ابن سینا، ۱۹۸۹م: ۱۴۴؛ امام خمینی، ۱۳۸۸: ۳۵۳) و از جهت دیگر از مستقلات عقلیه شمرده شده است (مصباح یزدی، ۱۳۸۹: ۱۶۸)؛ افزون بر اینکه برخی اندیشمندان به وجه عبادی بودن آن نیز پرداخته‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ۳۱۲/۱) و برخی بر ضرورت تواضع برای حاکم جامعه و شریف‌تر از پادشاهی وی تأکید کرده‌اند (همدانی، ۱۳۵۸: ۶۱۲-۶۱۱)؛ لذا همه اندیشمندان مسلمان بر خوبی تواضع اتفاق نظر دارند؛ اگرچه در قلمروی آن اختلاف نظر وجود دارد که با توجه به منشأ خیر و خوبی شمرده شدن تواضع (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۲۴۲/۱) و از طرف دیگر ترک برخی از مصادیق تواضع، سبب حبط و نابودی اعمال صالح دانسته شده است (مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ۳۳۸)؛ توجه به چیستی و قلمروی آن از طریق معاشناسی حائز اهمیت است و این تحقیق با بررسی دیدگاه اندیشمندان به خصوص حکمت صدرایی که ملاصدرا و پیروانش قصد دارند به قلمروی دقیقی از تواضع دست یازد تا به وسیله تواضع واقعی، همدلی افراد جامعه بیشتر شود و تذلل و چابک‌پویی جانشین تواضع نگردد و خدای ناکرده تذلل به جای تواضع ترویج نشود تا افراد از تواضع دروئی نکنند و صفت تکبر را به کار نگیرند. اندیشمندان مسلمان و به خصوص فیلسوفان مسلمان صدرایی، هدف اخلاق و عبادت الهی را قرب به کمال مطلق یا همان قرب الهی می‌دانند (ملاصدرا، ۱۳۸۱: ۱۴۱ و ۱۴۲؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۶ الف: ۱۸۲)؛ زیرا ذات انسان عین نیاز است و امکان ندارد به رتبه کامل مطلق برسد؛ به دلیل اینکه یکی از صفات کامل مطلق بی‌نیازی اوست لذا هر چه انسان کمال کسب کند می‌تواند قرب به کمال مطلق برسد اما کامل مطلق نمی‌شود؛ اگرچه معنای قرب در اینجا به معنای بی‌فاصله شدن نیست و به دلیل فقر وجودی که انسان دارد فاصله بی‌نهایت میان بی‌نیاز مطلق و نیازمند مطلق وجود خواهد داشت که در لسان ملاصدرا، شأنی از شوون باری تعالی شدن است (ملاصدرا، ۱۹۸۱: ۱۱۴/۱؛ همان، ۱۳۷۴/۶)؛ اما از

قدیس، ۱۳۹۱: ۲۴۷) تا جایی که برخی اندیشمندان، تواضع را اساس مسیحیت دانسته‌اند (منتسکیو، ۱۳۹۲: ۲۳۴/۱).

اسپینوزا فضیلت اخلاقی را قدرتی روحی می‌داند که از عقل ناشی می‌شود (اسپینوزا، ۱۳۹۰: ۲۲۲) و نتیجه می‌گیرد که تواضع ملاحظه ضعف و بیچارگی انسان است؛ از این رو فضیلت محسوب نمی‌شود بلکه از رذایل اخلاقی است (اسپینوزا، ۱۳۹۰: ۲۶۴). همانطوری که ماکیاولی در دوره نوزایی برای تواضع هیچ فایده‌ای قائل نیست (ماکیاولی، ۱۳۷۷: ۲۳۱)؛ اما هابز تواضعی را مضر می‌داند که موجب ضعف قدرت دولت برای حفظ امنیت بلندمدت باشد (هابز، ۱۳۸۰: ۱۵۷)؛ وی تواضعی را که موجب تحمل رفع وجوه ناخوشایند و طاقت‌فرسای وضع نامالیقات است ضروری می‌شمرد؛ زیرا افراد با داشتن این میزان از تواضع، به عنوان سازنده و نظم‌دهنده دولت می‌توانند جلوی ضعف و انحلال دولت را بگیرند (هابز، ۱۳۸۰: ۲۹۲)؛ برخی مانند جان لاک به صورت مطلق به فروتنی مسیحیان حقیقی به عنوان فضیلت اعتقاد دارند (لاک، ۱۳۹۱: ۹۷؛ لاک، ۱۳۸۳: ۴۹-۵۰)؛ اما منتسکیو به جنبه غیرممکن بودن قانونی کردن تواضع پرداخته است؛ زیرا وی تواضع را صفت درونی و فردی قلمداد می‌کرد که به برخورد رفتاری با دیگران مشروط نیست (منتسکیو، ۱۳۹۲: ۲۳۷/۱)؛ وی همچنین به برخی آثار تواضع مانند ملایمت در رفتار، قدرت نجبا در حکومت و فراموش کردن ضعف درونی توسط توده‌ها اشاره کرده است (منتسکیو، ۱۳۹۲: ۲۵۵/۱ و ۵۸۱). در دوران مدرن نیز نیچه، تواضع را از صفات گله می‌داند و در مقابل وجود چوپان را نعمتی قلمداد می‌کند برای نجات از دست فشاری که رفته رفته تاب‌نیابورنی است (نیچه، ۱۳۷۵: ۱۵۰)؛ وی تواضع را از اخلاق بردگان قلمداد کرده است (نیچه، ۱۳۷۵: ۲۵۹)؛ اما اخلاق سروران که در مقابل اخلاق بردگان است، نزد او ارزش‌آفرین محسوب می‌شود و ارزش‌آفرینی را ویژه سروران می‌داند (نیچه، ۱۳۷۵: ۲۵۹-۲۶۰).

اندیشمندان اسلامی نیز به چیستی و قلمروی تواضع پرداخته‌اند به طوری که برخی تواضع را فروتنی در مقابل انسان‌ها (ابن‌سینا، ۱۹۸۹: ۱۴۴) و برخی در مقابل فروتنان (نصیرالدین، ۱۳۸۷: ۱۱۳؛ دوانی، ۱۳۹۱: ۸۵؛ دشتکی، ۱۳۸۶: ۲۳۶) قلمداد کرده‌اند و برخی تواضع را فروتنی در مقابل فراتر و برتر واقعی یعنی خدا دانسته‌اند (امام خمینی، ۱۳۸۸: ۳۳۶؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ۳۳۶) و برخی افزوده‌اند که تواضع در مقابل غیر خدا به

آنجایی که اینگونه فواصل به معنای فواصل مکانی نیست و می‌توان از اصطلاح قرب به دلیل ابهامی که در میزان قرب معنای آن وجود دارد، استفاده کرد اندیشمندان حکمت صدرایی، اصطلاح قرب به کمال مطلق یا قرب الهی را برای هدف اخلاق استفاده کرده‌اند (ملاصدرا، ۱۳۸۱: ۱۴۱؛ خمینی، ۱۳۸۸: ۳۳۶؛ مصباح، ۱۳۸۸: ۲۳۹).

با توجه به روش معناشناسی یادشده و اینکه مفاهیم اخلاقی از معقولات فلسفی‌اند، معنای تواضع چنین است که با مقایسه میان واقعیات و انتزاع ویژگی خاصی حاصل می‌شوند؛ مفاهیمی که ارتباط مستقیم با فعل اختیاری دارند، در زمره مفاهیم ارزشی و اخلاقی قرار می‌گیرند که برای معناشناسی اینگونه مفاهیم، میان واقعیات فرضی مقایسه‌ای صورت می‌گیرد؛ یکی از واقعیات فعل اختیاری یا صفت نفسانی و واقعیت دیگر، هدف اخلاق خواهد بود که ویژگی خاصی از رابطه میان این دو دسته واقعیات فرضی از طریق عقل انتزاع می‌شود و معنای این مفاهیم حاصل می‌شود؛ از تبیین معناشناسی معقولات ثانیه می‌توان نقش عرف را نیز بدین‌گونه بیان کرد که اگرچه عرف نقش کلیدی در معناشناسی معقولات ثانیه ندارد و امکان خطای عرفی نفی نمی‌شود اما حداقل دو نقش برای عرف می‌توان در نظر گرفت؛ اولاً در زمان معناشناسی و شناساندن معنا به دیگران نباید از مفاهیمی استفاده کرد که در عرف مبهم‌اند و امکان به خطا افتادن و خطا انداختن مخاطب را دارند؛ ثانیاً بعد از معناشناسی مفاهیم، می‌توان از برداشت‌های عرفی که با معناشناسی سازگارند به‌عنوان مؤید بحث استفاده کرد (احمدی، ۱۳۹۸: ۵-۱۶). اکنون نخست پیشینه بحث را و سپس معانی که برای تواضع در اخلاق بیان شده تبیین می‌کنیم و سپس به بررسی آن معانی پرداخته و به روش یادشده معنای برگزیده را تبیین می‌کنیم.

پیشینه پژوهش

برخی اندیشمندان یونان باستان مانند افلاطون تواضع را به تواضع ممدوح و مذموم تقسیم می‌کنند (افلاطون، ۱۳۸۰: ۲۰۳۰/۴-۲۰۳۱، «قوانین»، بند ۷۳۱)؛ اما ارسطو تواضع را رذیلت اخلاقی می‌داند و آن را موجب از دست رفتن بزرگمنشی قلمداد کرده است (ارسطو، ۱۳۷۸: ۱۳۸/۱، ۱۱۲۳ب)؛ در قرون وسطی آگوستین تواضع را شرط لازم تحقق برخی معارف (آگوستین قدیس، ۱۳۹۱: ۴۳۹) و راه امن و درست رسیدن به خدا معرفی می‌کند (آگوستین

تعاریف را دربر دارند؛ دسته‌ای تواضع را بر اساس روایتی (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۲۱/۱) ضد کبر و مانند آن صفت درونی و دسته‌ای دیگر تواضع را ضد تکبر و مانند آن تنها رفتار بیرونی می‌دانند و دسته‌ای دیگر تلفیقی از هر دو یعنی صفت درونی و رفتار را تواضع دانسته‌اند؛ گروه اولی که تواضع را فردی و صفت درونی قلمداد کرده‌اند، دو قسم‌اند؛ قسم اول این صفت نفسانی را فروتنی در قبال هم‌جنسان (ابن‌سینا، ۱۹۸۹: ۱۴۴؛ قطب‌الدین شیرازی، ۱۳۶۹: ۹۲) و همه انسان‌ها یا فروتران (دشتکی، ۱۳۸۶: ۲۳۶) و برخی انسان‌ها می‌دانند که این قسم، تواضع در مقابل خدا را شامل نمی‌شود و قسم دوم آن را در قبال فراتران (مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ۳۳۶) یا دیگران دانسته‌اند (نراقی، ۱۳۸۵: ۲۹۶؛ امام خمینی، ۱۳۸۸: ۳۳۳-۳۳۴) زیرا خداوند فراتر واقعی است و چیزی فراتر از خدا نیست (مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ۳۳۶) پس قلمروی تواضع، فروتنی در برابر خدا و به تبع آن فروتنی در مقابل غیرخدا را دربر می‌گیرد (امام خمینی، ۱۳۸۸: ۳۳۷) به‌گونه‌ای که فروتنی انسان در مقابل خدا تواضع حقیقی محسوب می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ۳۳۶) و تواضع، فضیلتی است که در مؤمنان و حاکم مؤمنان جلوه‌گر است.

دسته دوم از گروه اولی که تواضع را فردی تبیین می‌کنند، آن را ضد تکبر شمرده‌اند (ناجی تکریتی، ۱۴۰۲: ۲۷۴) و بر اساس اظهار نوعی رفتار تعریف تواضع را تبیین کرده‌اند؛ مانند اینکه تواضع را به صورت سلبی، اظهار بزرگی نکردن دانسته‌اند (ناجی تکریتی، ۱۴۰۲: ۲۷۴) یا مانند آنچه در عرف تواضع را به صورت ایجابی، اظهار کوچکی کردن می‌دانند (ایرانی طرفی، ۱۳۸۴: ۲۷۱؛ خمینی، ۱۳۸۸: ۳۳۳)؛ اما دسته سوم از گروه اول که تواضع را تلفیقی از صفت درونی و رفتار بیرونی می‌دانند، تواضع را قبول اذیت از هر شخصی و نرم‌خویی در قبال فروتران قلمداد کرده‌اند (ابومسکویه، ۱۳۷۷: ۵۰)؛ اما به نظر برخی اندیشمندان که تواضع را صفت نفسانی می‌دانند، این رفتارها، لوازم تواضع به حساب می‌آید (نراقی، ۱۳۸۵: ۲۹۶).

تاکنون تعاریف گروه اول که تواضع را فردی قلمداد کرده‌اند از جهت صفت درونی یا رفتار بیرونی بودن تواضع دسته‌بندی کردیم؛ اما از جهت سلبی یا ایجابی بودن تواضع، تعاریف اندیشمندان را می‌توان در دو دسته جای داد برخی به بیان سلبی «مزیتی قائل نشدن برای خود» اکتفا کرده‌اند (طوسی، ۱۳۸۷: ۱۱۳؛ دوانی، ۱۳۹۱: ۸۵؛ سبزواری، ۱۳۸۱: ۲۷۴) و برخی به بیان

تبع تواضع در مقابل خدا و پیروی از فرمایشات او به حساب می‌آید (خمینی، ۱۳۸۸: ۳۳۳-۳۳۴).

برخی اندیشمندان به جنبه اخلاقی تواضع و آثار آن پرداخته‌اند؛ مانند انصاریان در کتاب تواضع و آثار آن که مجموعه سخنرانی‌های ایشان است و همچنین خانم عامری‌مهر در مقاله تواضع که در نشریه بشارت نگاشته است یا مقاله «تحلیل سه تلقی و تعریف از تواضع؛ رویکردهای ارسطو، آگوستین و جولیا درایور» که در شماره هشتم نشریه اخلاق‌پژوهی در سال ۱۳۹۹ توسط مسعود صادقی مقایسه‌ای بحث کرده است؛ برخی محققان نیز به بررسی تواضع از منظر ادیان دیگر پرداخته‌اند؛ مانند فاطمه حاجی اکبری و حسین حیدری در نشریه پژوهش‌های اخلاقی که درباره گستره و مبانی فروتنی در عهد جدید قلمفرسایی کرده‌اند؛ اما این گونه نوشته‌ها نیز ماهیت تواضع را به خصوص از منظر حکمت صدرایی با روش عقلی بررسی نکرده‌اند که این تحقیق بر آن است ماهیت تواضع از منظر دیدگاه یادشده را با روش فلسفی و از منظر معناشناسی اخلاق بررسی نماید.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. در گام اول، تعاریف و دیدگاه‌های موجود درباره تواضع در میان اندیشمندان غربی و اسلامی در پیشینه آمده و دسته‌بندی تعاریف اندیشمندان مسلمان ارائه شده است. در گام دوم، با بهره‌گیری از روش معناشناسی فلسفی رایج در فلسفه اسلامی (به‌ویژه برای فهم معقولات ثانیه)، میان ویژگی خاص مفهوم «تواضع» و هدف غایی اخلاق یعنی «قرب به کمال مطلق» ارتباط برقرار شده است. سپس بر اساس این روش، تعاریف گوناگون تواضع با معیار قرب الهی ارزیابی شده و در نهایت تعریف برگزیده، انتخاب و با مفاهیم مشابه (مانند تذلل، خشوع، خفض جناح، اخبات و تملق) مقایسه شده است؛ پس رویکرد کلی پژوهش، فلسفی-اخلاقی و مبتنی بر مبانی حکمت صدرایی است که در اینجا به دسته‌بندی تعاریف اندیشمندان از تواضع و بررسی دیدگاه آنها می‌پردازیم.

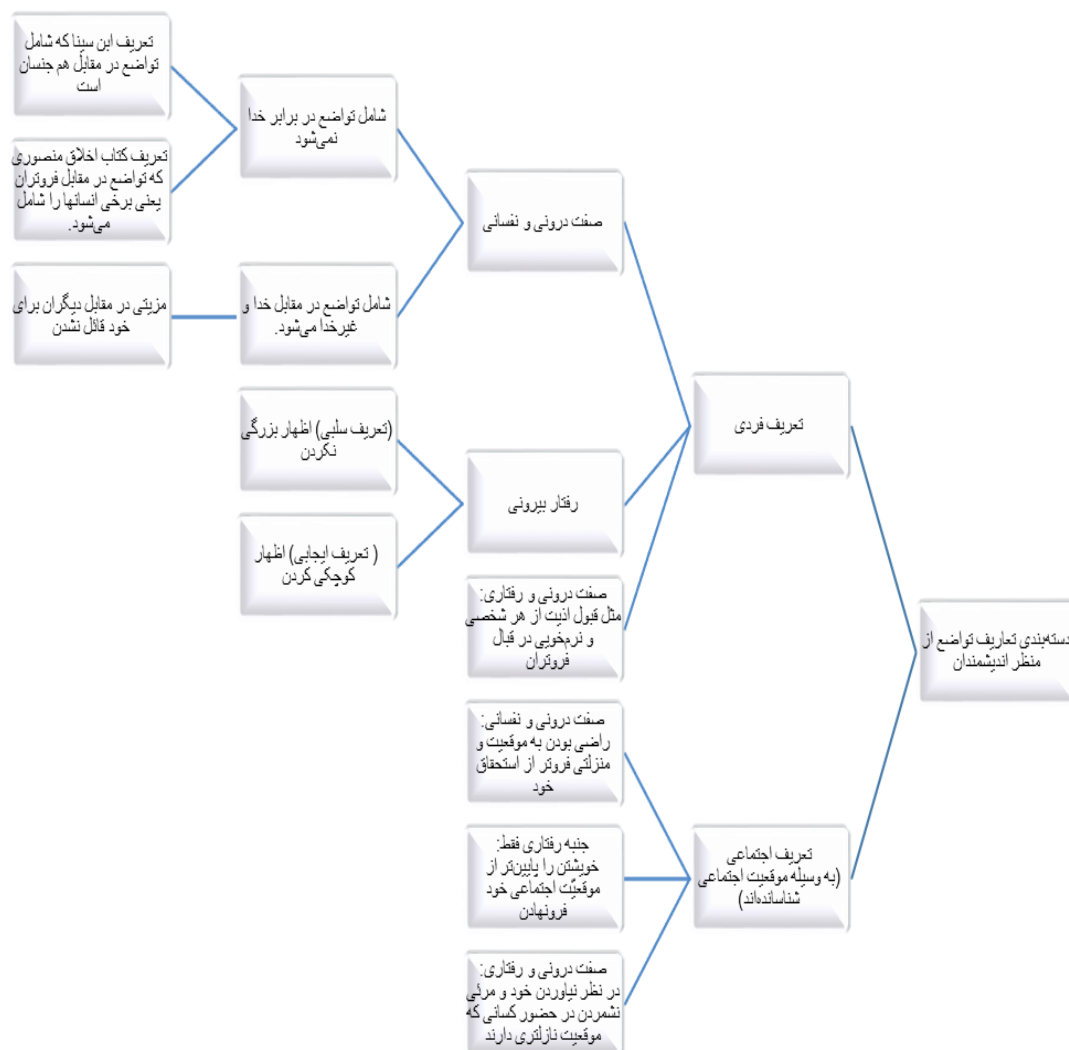
تعاریف اندیشمندان از تواضع

اندیشمندان اسلامی، هدف قرب الهی را برای تمام افعال و صفات اختیاری انسان در نظر گرفته‌اند که گروهی از آنها، تواضع را فردی و در ارتباط با دیگران و گروهی دیگر، آن را بر اساس موقعیت اجتماعی تعریف کرده‌اند که هر کدام از دو گروه، سه دسته

خویشتن را پایین‌تر از موقعیت اجتماعی خود فرونهادن، تواضع نامیده می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴: ۷۷/۲)؛ این تعریف به صفت درونی بودن تواضع صراحتی ندارد بلکه با لفظ «فرونهادن» به جنبه رفتاری انسان اشاره دارد؛ اما دسته سوم از گروه دوم تواضع را تلفیقی از صفت درونی و رفتار بیرونی دانسته‌اند؛ چنانکه در نظر نیاوردن خود و مرئی نشمردن خود را در حضور کسانی که موقعیت نازل‌تری دارند، تواضع اطلاق کرده‌اند (لاهیجی، ۱۳۷۲: ۶۷۶)؛ این تعریف با قید «در نظر نیاوردن» به صفت درونی و با قید «مرئی نشمردن در حضور دیگران» به رفتار بیرونی اشاره کرده است اما تواضع را فقط در برابر کسانی ممکن می‌داند که موقعیت نازل‌تری دارند.

ایجابی تواضع را قبول اذیت از هر شخصی و نرم‌خویی دانسته‌اند (ابومسکویه، ۱۳۷۷: ۵۰).

تواضع از آن جهت که بدون فرد یا افراد مقابل متواضع تحقق نمی‌یابد جنبه اجتماعی دارد؛ از این‌رو تواضع، صفت ارزش اجتماعی دانسته شده است به‌طوری که اگر اجتماع وجود نداشته باشد و فرد تنها باشد بحث تواضع مطرح نیست (علامه طباطبایی، ۱۴۰۲: ۱۸۰/۱)؛ اما گروه دوم افزون بر جنبه اجتماعی یادشده، تواضع را به وسیله موقعیت اجتماعی شناسانده‌اند؛ دسته اول از گروه دوم تواضع را راضی بودن به موقعیت و منزلتی فروتر از استحقاق خود تعریف کرده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۲۸ق: ۲۱۳/۱: علم‌الهدی، ۱۴۰۵ق: ۲۶۶/۲) که آن را صفت درونی دانسته‌اند؛ دسته دوم از گروه دوم تواضع را رفتار جلوه داده‌اند بدین بیان که



شکل ۱. دسته‌بندی تعاریف اندیشمندان از تواضع

۱۴۱) و زمین گود و پهناور (ابن منظور، ۱۹۹۴: ۲۷/۲) است و در اصطلاح آرامش و اطمینانی در اشخاص قصد می‌شود که هیچ اضطرابی نداشته باشند (طباطبایی، بی‌تا: ۱۹۳/۱۰)؛ برخی اخبات را مترادف تواضع دانسته‌اند (طباطبایی، بی‌تا: ۱۹۳/۱۰) که به نظر می‌رسد اخبات از لوازم تواضع باشد همانطور که برخی معنای تواضع را برای اخبات مجازی دانسته‌اند (زمخشری، ۱۹۶۵: ۱۵۱).

تملق به معنای شدت تسلیم و انقیاد است (جوهری، ۱۳۷۶: ۱۰۳۰/۳) که در برخی مصادیق با تواضع مشترک است مانند تملق برای یادگیری علم که به روایتی توسط پیامبر اعظم (ص) تحسین شده است (حلی، ۱۳۸۷: ۸۱)؛ اما این دو مفهوم در مبادی، غایت و ثمرات تمایزاتی دارند؛ برخی مبدأ تواضع را علم به خدا و نفس و غایتش را قرب الهی یا کرامت الهی و ثمره‌اش را نیز کمال نفسانی می‌دانند (امام خمینی، ۱۳۸۸: ۳۳۶)؛ اما مبدأ تملق را شرک و جهل، غایتش را نفس و ثمره‌اش را خفت و خواری و نقص و عار دانسته‌اند (امام خمینی، ۱۳۸۸: ۳۳۶).

بررسی تواضع از منظر اندیشمندان حکمت صدرایی

در ضمن بررسی تعاریف بیان‌شده، به خصوص تعاریف اندیشمندانی که رویکرد حکمت صدرایی دارند به تعریف مختار نیز خواهیم رسید؛ با توجه به روش معناشناسی که در مقدمه به آن اشاره‌ای شد، تواضع با ویژگی فروتنی و با هدف قرب به کمال مطلق، فروتنی در مقابل فراتری محسوب می‌شود که هرچه انسان در مقابل فراتری فروتن‌تر باشد، به فراتری و کمال محبت و تقرب بیشتری پیدا می‌کند؛ از این‌رو تعریف اجمالی تواضع، فروتنی در مقابل فراتری معنا می‌شود؛ برای رسیدن به تعریف منتخب، افزون بر روش معناشناسی یادشده، توجه به چهار نکته حائز اهمیت است؛ اولاً تعریف فردی بر تعریف بر اساس موقعیت اجتماعی مقدم است؛ زیرا تعریف فردی، تواضع در مقابل خدا را هم در برمی‌گیرد از این‌رو جامع افراد خواهد بود که ملاصدرا نیز بدان اشاره دارد (ملاصدرا، ۱۳۶۶: ۲۷۸/۳-۲۷۹)؛ ثانیاً تعریف تواضع بر اساس ضد، تعریف جامعی نیست؛ از این‌رو تعریف تلفیقی از صفت درونی و رفتار برای تواضع به نظر جامع‌تر می‌آید؛ ثالثاً تعریف ایجابی بر تعریف سلبی مقدم است؛ زیرا تواضع، انفعال محض نیست بلکه نوعی فعالیت محسوب می‌شود؛ رابعاً تعاریفی که تواضع را فروتنی فروتران در مقابل فراتری واقعی یا احتسابی بیان می‌کند نسبت به تعاریفی که تواضع را مزیتی برای خود قائل نشدن در مقابل فروتران دانسته‌اند، مناسب‌تر به نظر می‌رسد؛ زیرا

بعد از بیان دسته‌بندی تعاریف اندیشمندان از تواضع که چپستی تواضع را مشخص می‌کند، مناسب است تواضع برای تعیین قلمروی دقیق آن با برخی از مفاهیم اخلاقی همگن مانند تذلل، خشوع، خض جنانح، اخبات و تملق مقایسه شود.

برخی تواضع را به تذلل معنا کرده‌اند (ابن منظور، ۱۹۹۴: ذیل ماده «وضع») اما برخی تواضع را حد وسط تکبر و تذلل دانسته‌اند و تذلل را بخلاف تواضع، ردیلت اخلاقی می‌دانند (کشفی، ۱۳۸۱: ۵۶۸؛ ابن‌سینا، ۱۹۸۱: ۱۴۴)؛ برخی دیگر نیز برخی مصادیق تذلل مانند تذلل در مقابل خدا را فضیلت دانسته‌اند و برخی از مصادیق تذلل را ردیلت معرفی کرده‌اند (ملاصدرا، ۱۳۶۶: ۲۷۹/۳؛ همان: ۶۲/۴؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ۳۳۶)؛ برخی در تبیین تمایز تواضع با تذلل، تواضع را توأم با توانایی و «تذلل» را حاکی از ناتوانی می‌دانند؛ لذا تواضع را همراه با احساس حقارت می‌دانند (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۳۴۱/۹) در صورتی که تواضع، عزت را به دنبال دارد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۳۵۴/۱).

برخی تواضع را مترادف خشوع دانسته‌اند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۲۳/۴؛ طباطبایی، بی‌تا: ۱۹۳/۱۰)؛ اما برخی دیگر تواضع را به خلیقات و افعال جوارحی و جوانحی و «خشوع» را صرفاً به افعال جوارحی اطلاق می‌کنند لذا تواضع قلبی را سبب خشیت بدنی دانسته‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۸۱)؛ اما برخی دیگر ظهور تواضع را در زبان و کردار و ظهور خشوع را در دل و دیده تبیین کرده‌اند (نحاس، ۱۴۰۹-۱۴۲۸: ۴۴۲/۴).

خض جنانح، اصطلاح به‌کار رفته در قرآن، نوعی رفتار متواضعانه دانسته شده است که در لغت به رفتاری از پرندۀ اطلاق می‌شود که جوجه خود را زیر پر و بال می‌گیرد و عرب، فردی را که از سختگیری به دور است، خافض الجناح گوید. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵ و ۶)؛ قرآن چنین رفتاری را برابر مؤمنان (حجر: ۸۸) و والدین (اسراء: ۲۴) توصیه می‌کند که برخی آن را نوعی رفتار متواضعانه دانسته‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ۶۳/۳)؛ اگرچه می‌توان خض جنانح را نوعی تواضع جوارحی قلمداد کرد و تواضع جوارحی نوعی تواضع عرفی دانسته شده است (ایرانی طرفی، ۱۳۸۴: ۲۷۱؛ امام خمینی، ۱۳۸۸: ۳۳۳)؛ اما خض جنانح از فروتنی عرفی برتر قلمداد می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ۳۳۸).

اخبات که در قرآن به‌کار رفته است (هود: ۲۳) از مفاهیم مشابه تواضع دانسته می‌شود؛ اخبات از ریشه خَبْتُ گرفته شده که در اصل، به‌معنای زمین هموار و فراخ، زمین مطمئن و دارای ریگ، دشت بدون گیاه، زمین هموار و سخت (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲:

اول آنکه تعریف برگزیده تواضع انسان در مقابل خدا را که مصداق حقیقی تواضع است (ملاصدرا، ۱۳۶۶: ۲۷۸/۳-۲۷۹: امام خمینی، ۱۳۸۸: ۳۳۶؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ۳۳۶) دربر می‌گیرد اما تعاریف دیگر جامع افراد نیست.

دوم آنکه ماهیت تعاریف دیگر و غیربرگزیده با اخلاق کلبی‌ها سازگارتر است و با تذلل مرز دقیقی ندارد مگر آن صورتی که بتواند ذیل تعریف اول یا به تبع تواضع در مقابل فراتر تبیین شود بدین صورت که به دلیل دستور فراتران یا توجه به مزیتی در فروتران، آنها را فراتر به حساب آورد و در مقابلشان فروتنی کند چنانکه در برخی روایات بدین مضمون اشاره دارد که اگر انسانی بزرگ‌تر از تو بود چنین درنظر بگیر که او پیش از من اهل ایمان شده و کردار صالحش بیشتر از من است و اگر کوچک‌تر از تو بود چنین درنظر بگیر که من بیش از او مرتکب معصیت شده‌ام پس او بهتر از من است و اگر همسان تو بود چنین درنظر بگیر که من به گناه خود یقین دارم ولی درباره او شک دارم، چرا یقین خود را با شک عوض کنم (طبرسی، ۱۳۸۱: ۱۵۲/۲) و در هر صورت خود را نسبت به دیگران فروتر ببیند و فراتری آنها را تبیین کند.

سوم آنکه در تعاریف دیگر و غیربرگزیده، انسانی که می‌خواهد خود را از فروتران پایین‌تر بیانگارد باید دلیلی خارج از تواضع داشته باشد تا بدان پایبند شود و تزامم فروتر بودن با فراتر نگرستن مانع کمال انسانی خواهد شد و انگیزه رفتار متواضعانه را از انسان سلب می‌کند؛ اما اگر تواضع حقیقی براساس واقعیت فروتنی در مقابل فراتران دانسته شود افزون بر نبود چنین تزامم درونی، فروتنی تواضع، ذاتی آن است و به دلیل خارجی نیازی ندارد.

چهارم آنکه تعریف برگزیده قلمرو دقیقی از تواضع را ترسیم می‌کند؛ زیرا برای رفتار متواضعانه داشتن مزیتی از خود در مقابل فروتران ندیدن کافی نیست از آن جهت که مزیتی ندیدن با تساوی در مزیت نیز سازگاری دارد؛ اما باید در طرف مقابل مزیتی ببیند تا بتواند در مقابل او رفتار متواضعانه داشته باشد بلکه تواضع در مقابل فروتران به نوعی فروتنی دروغی و منافقانه است که بقا ندارد و با حقیقت اخلاق که برپایه واقعیت بنا شده است، سازگاری ندارد. اگرچه تواضع در مقابل فروتران طهارت قلبی نیست اما به تعبیر ملاصدرا حتی طهارت قلبی نیز کمال حقیقی نیست بلکه جایگاه کمال و سعادت حقیقی هر کسی در بهشت به میزان وسعت معرفت او و تجلی ذات و صفات و افعال حق در ذات اوست که با حصول انوار ایمان به حق یعنی فراتر دیدن کمال مطلق حاصل می‌شود (ملاصدرا، ۱۳۹۱: ۱۳۹/۹).

پنجم آنکه براساس تعریف برگزیده، فروتنی در مقابل فروتران اگر ذیل تواضع در مقابل فراتران قرار نگیرد، تواضع نیست بلکه ممکن است از مصادیق ذلیل‌شدنی به حساب آید که بد اخلاقی است. اگر تواضع حقیقی چنانکه برخی معتقدند تواضع در مقابل خدا دانسته شود (ملاصدرا، ۱۳۶۶: ۲۷۸/۳-۲۷۹)، نوعی عبودیت لحاظ می‌شود که افراطش نیز خوب اخلاقی به حساب می‌آید (مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ۳۱۳ و ۳۳۶ و ۳۲۰-۳۲۱).

ششم آنکه تعریف غیربرگزیده با تصریح بر «مزیتی ندیدن» تعریف سلبی محسوب می‌شود و توانایی تبیین یک رفتار جوانحی و جوارحی وجودی همچون تواضع را ندارد؛ ازاین‌رو تعریف منتخب این تحقیق باید افزون بر اعم بودن از جهت فردی و اجتماعی، صفت درونی و رفتار بیرونی به فضیلت اعم یعنی فضیلتی که تواضع ذیل آن قرار می‌گیرد اشاره کند؛ از این‌رو تعریف تواضع از منظر این تحقیق چنین است که تواضع، فضیلتی است که انسان در درون و رفتار، خود را از فراتری واقعی یا احتسابی پایین‌تر بداند.

هفتم آنکه این تعریف با اصول مبانی ملاصدرا مطابقت با بیان ذیل مطابقت دارد که از منظر اصالت وجود، «فراتری واقعی» چیزی جز شدت و غنای وجودی نیست؛ زیرا کمال، امری عینی و وجودی است و تفاوت مراتب کمال، به تفاوت در مراتب وجود بازمی‌گردد. از این‌رو، تواضع حقیقی عبارت است از فروتنی وجودی ممکن‌الوجود در برابر وجودی که از حیث شدت و غنا برتر است. تشکیک در وجود نیز این نگاه را عمیق‌تر می‌کند؛ همان‌گونه که وجود مراتب شدید و ضعیف دارد، فراتری نیز امری مشکک است و انسان متواضع با درک این حقیقت که وجود او در مرتبه‌ای نازل‌تر از وجود کمال مطلق (و حتی کمالات احتسابی ناشی از آن) قرار دارد، فروتنی خود را نه به‌عنوان یک رفتار قراردادی، بلکه به‌عنوان اذعان وجودی و عقلانی برمی‌گزیند.

از سوی دیگر، حرکت جوهری و قاعده بسیط الحقیقه، نقش کلیدی در تبیین غایت تواضع ایفا می‌کنند. بر اساس حرکت جوهری، انسان در سیر تکاملی خود همواره از مرتبه‌ای ناقص‌تر به کامل‌تر در حرکت است و تواضع، زمینه‌ساز این حرکت است؛ زیرا فروتنی در برابر فراتر، انسان را از توقف و خودبزرگ‌بینی بازمی‌دارد و او را به‌سوی کمالات بالاتر سوق می‌دهد. قاعده بسیط الحقیقه نیز این معنا را روشن می‌سازد که فراتر مطلق (خدا) به سبب بساطت و سعه وجودی خود، جامع تمام کمالات است و هیچ امری از او تهی نیست؛ بنابراین، فروتنی در برابر او، نه

هستی‌بخش فراتری است نباشد، کمال قابل توجهی حاصل نمی‌شود؛ زیرا کمال حاصل از فروتنی در مقابل خدا و متبوعاتش درجه‌ای همچون بهشت را به دنبال خواهد داشت که بقای حقیقی و اخروی دارد اما تواضعی که خدامدارانه نباشد فقط فواید دنیوی خواهد داشت یعنی بقای لازم را ندارد بلکه درجه‌ای کمالی را نیز دارا نیست اگرچه بالاخره کمال‌زاست اما درجه کمال آن محدود به دنیاست که در قبال کمال اخروی چیزی محسوب نمی‌شود؛ این تحقیق برای کسب کمالات عالی که در خدامداری نهفته است سعی کرده است معنای خدامداری را در مصداق حقیقی تواضع بگنجاند؛ اگرچه می‌توان میان اخلاق اسلامی و تربیت اخلاق اسلامی تمایز قائل شد و تواضع خدامدار را ذیل اخلاق اسلامی قرار داد و تواضع بدون خدامداری را ذیل تربیت اخلاقی تبیین کرد؛ زیرا هدف اخلاق اسلامی وصول به قرب الهی است که جز با نیت و قصد این قرب، حاصل نخواهد شد در حالی که در تربیت اخلاق اسلامی رشد به سمت قرب هدف است که گاهی بدون قصد نیز این رشد ولو اندک حاصل می‌شود.

با توجه به بیان فوق، اگر افرادی بدون نیت خدامداری در مقابل برخی فروتنی کنند آیا فروتنی آنها تواضع اخلاقی محسوب می‌شود؟ مانند فروتنی کفار در مقابل علم علما که نوعی تواضع و فروتنی است و همه اندیشمندان فروتنی آن را لازم و قبول دارند و برخی بر این نوع تواضع که مقبول همگان است تصریح دارند و از آن نتیجه گرفته‌اند که تواضع غیر از عبادت است؛ به نظر می‌رسد که چنین تواضعی، ذیل تعریف برگزیده قرار می‌گیرد زیرا تواضع انسان‌ها در مقابل علم علما یعنی فروتنی در مقابل فراتری؛ زیرا جهت علم یعنی جهت فراتری که در علما وجود دارد؛ اگر تواضع علمای مساوی را نیز به جهت علم در نظر بگیریم، یا بدان دلیل است که هر عالمی، علم دیگر را فراتری می‌داند و به دیگری به جهت علمش که در خودش نیست احترام می‌گذارد لذا تساوی را قبول نداشته است و او را فراتر دانسته است یا اینکه حقیقت علم را فراتری دانسته است، نه در مقایسه با علم خودش؛ توضیح مطلب آنکه گاهی علم فرد مقابل با فرد متواضع مقایسه می‌شود و گاهی علم فرد مقابل با اصل جهل مقایسه می‌شود و برای تعظیم و ترویج علم در جامعه در مقابل آن تواضع می‌شود که فراتر بودن علم از جهل نیز از مصادیق تعریف برگزیده خواهد بود و واقع‌گرایی و واقع‌بینی را از تعریف نمی‌زداید.

فروتنی در برابر امری بیگانه، بلکه اذعان به منشأ همه کمالات و غایت سیر وجودی خویش است. تواضع در برابر فراتری‌های احتسابی (مانند علم، تقوا یا فضیلت اخلاقی در دیگران) نیز به تبع این قاعده و با توجه به اینکه این کمالات، شئون و تجلیات همان وجود بسیط کامل هستند، معنا می‌یابد؛ به گونه‌ای که فروتنی در مقابل هر جلوه‌ای از کمال، در حقیقت فروتنی در برابر منشأ آن کمال است. بنابراین، تعریف برگزیده نه تنها با نظام فلسفی صدرایی ناسازگار نیست، بلکه می‌توان آن را برآمده از همان اصول وجودشناختی و حرکت‌شناختی این مکتب دانست.

با توجه به هدف اخلاق که رسیدن به قرب به کمال مطلق است و فراتر واقعی همان کمال مطلق به حساب می‌آید و فراتری احتسابی نیز به تبع فراتری واقعی تبیین می‌شود پس تعریف بیان شده برای تواضع در راستای هدف اخلاق و دیدگاه قرب الهی است زیرا با توجه به فراتری که همان کمال است تبیین می‌شود و تواضع با ایمان ارتباطی وثیق دارد لذا برخی آن را از مؤلفه‌های اصلی ایمان شمرده‌اند (ایزوئسو، ۱۳۷۸: ۳۱۱-۲۸۵/۱) همانطور که در کلمه اسلام که معنای تسلیم متواضعانه در برابر خداست، چنین برداشت می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۵۷/۱) لذا می‌توان چنین بیان کرد که اصل تواضع فروتنی در برابر خداوند است و تواضع در برابر انسانها از آن اصل ناشی می‌شود.

نتیجه‌گیری

اگرچه ملاصدرا تصریحی بر تبیین چستی تواضع ندارد اما می‌توان از نظریه او استنتاج کرد و با مراجعه به اندیشمندی که حکمت صدرایی دارند به نظریه او درباره تواضع دست یافت؛ درنهایت با توجه به تبیینی از تواضع که فروتنی در مقابل فراتری دانسته شد، اولاً واقع‌گرایی اخلاقی از این مفهوم کاملاً مشهود است زیرا تواضع بر اساس فراتری و کمال واقعی تبیین شد. ثانیاً تواضع به شرطی از عبادات محسوب می‌شود که توجه به قرب الهی آن باشد اگر توجهی به هدف الهی آن نباشد اگرچه صفت دروینی یا فعل بی‌فایده‌ای نیست و از واقعیت تهی نخواهد بود اما بهره‌چندانی از واقعیت اخلاق نخواهد برد؛ به عبارت دیگر مصداق اتم و اکمل فراتری خداست که فراتری را هستی بخشیده است و اگر بدو توجه نشود، خدا ضرری نمی‌بیند اما اگر در مقابل فراتری مطلق یعنی خدا فروتنی شود، درجات کمالی حاصل از آن بسیار بالا خواهد بود؛ زیرا فراتر مطلق است که به فراتری غیرخود هستی بخشیده است؛ اما اگر فروتنی با توجه به فراتری مطلق که

دارای درجه‌ای از کمال محدود به دنیاست که در قبال کمال اخروی، کمال متناهی محسوب نمی‌شود.

منابع

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶). *الامالی*. تهران: کتابچی.
- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله (۱۹۸۹م). «رسالة فی علم الأخلاق»، در *تسع رسائل فی الحکمة والطبیعیات*. قاهره: دار العرب.
- ابن‌منظور، محمد بن مکرم (۱۹۹۴م). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.
- ابو مسکویه، ابوعلی احمد بن محمد (۱۳۷۷). *الحکمة الخالدة (اخلاق جویبار)*. تهران: دانشگاه تهران.
- احمدی، حسین (۱۴۰۳). تفسیری درباره تمایز حد نصاب اخلاقی و تربیت اخلاقی از منظر آیت‌الله مصباح. *جستارهایی در فلسفه و کلام*، ۵۶ (۱۱۲). ص ۱۰۷-۱۲۳.
- <https://doi.org/10.22067/epk.2023.80855.1211>.
- احمدی، حسین (بهار و تابستان ۱۳۹۸). روش معناشناسی اخلاق از منظر آیت الله مصباح یزدی. *عیار پژوهش در علوم انسانی*، ۱۰ (۱۹). قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ص ۵-۱۶.
- ارسطو (۱۳۷۸). *اخلاق نیکوماخوس* (محمّدحسن لطفی، به ترجمه). تهران: طرح نو.
- اسپینوزا، بندیکتوس دو (۱۳۹۰). *اخلاق*. ترجمه: محسن جهانگیری. تهران: مرکز جهاد دانشگاهی.
- افلاطون (۱۳۸۰). *دوره کامل آثار افلاطون*. ترجمه محمدحسن لطفی. تهران: خوارزمی.
- آگوستین قدیس (۱۳۹۱). شهر خدا. ترجمه حسین توفیقی. قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
- امام خمینی، روح‌الله (۱۳۸۸). *شرح حدیث جنود عقل و جهل*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- امام خمینی، روح‌الله (بی‌تا). *کشف الأسرار*. بی‌جا: بی‌نا.
- انصاریان، حسین (۱۳۸۸). *تواضع و آثار آن*، مجموعه سخنرانی‌های حسین انصاریان. ویرایش و تحقیق محسن فیض‌پور. قم: دارالعرفان.
- ایرانی طرفی، عبدالمحمد (۱۳۸۴). *فرهنگ ابجدی لغات قرآن کریم*. قم: ائمه.
- ایزنسو، توشیهیکو (۱۳۷۸). *مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مجید*. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: فرزانه‌روز.
- تکریتی، ناجی (۱۴۰۲ق). *الفلسفة الاخلاقية الافلاطونية*. بیروت: دار الاندلس.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱). *ادب فنای مقربان*، شرح زیارت جامعه کبیره. قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳). *تفسیر موضوعی قرآن مجید*. قم: مرکز نشر اسراء.
- جوهری، إسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ق). *الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربية*، تصحیح أحمد عبدالغفور عطار. بیروت: دار العلم للملایین.

تعریف برگزیده تواضع در این تحقیق، یعنی فروتنی وجودی ممکن‌الوجود در برابر فراتری واقعی یا احتسابی، با اصول بنیادین حکمت صدرایی هماهنگی کامل دارد. بر اساس اصالت وجود و تشکیک در وجود، فراتری چیزی جز شدت و غنای وجودی نیست و تواضع، اذعان عقلانی به نازل‌تر بودن مرتبه وجودی خویش در برابر کمال مطلق یا تجلیات اوست. همچنین حرکت جوهری، تواضع را زمینه‌ساز سیر تکاملی انسان معرفی می‌کند، زیرا فروتنی در برابر فراتر، انسان را از خودبزرگ‌بینی بازداشته و به سوی کمالات بالاتر سوق می‌دهد. قاعده بسیط الحقیقه نیز این معنا را تکمیل می‌کند که فراتر مطلق، جامع تمام کمالات است و فروتنی در برابر هر جلوه‌ای از کمال (مانند علم یا تقوا)، در حقیقت فروتنی در برابر منشأ آن کمال یعنی خداوند است. بدین ترتیب، تعریف ارائه‌شده نه تنها با نظام فلسفی صدرایی سازگار است، بلکه از همان اصول وجودشناختی و حرکت‌شناختی این مکتب استنتاج می‌شود.

همچنین روایاتی که بدین مضمون اشاره دارند اگر انسانی بزرگتر از تو بود چنین در نظر بگیر که او پیش از من، اهل ایمان شده و کردار صالحش بیشتر از من است و اگر کوچکتر از تو بود چنین در نظر بگیر که من بیش از او مرتکب معصیت شده‌ام پس او بهتر از من است و اگر همسان تو بود چنین در نظر بگیر که من به گناه خود یقین دارم ولی در باره او شک دارم، چرا یقین خود را با شک عوض کنم و در هر صورت انسان خود را نسبت به دیگران فروتر ببیند ولو آنها فراتر واقعی نباشند؛ می‌توان به این شبهه چنین پاسخ داد که این روایت هم تواضع را زمانی ممکن می‌داند که فراتری باشد ولو وجود ذهنی داشته باشد؛ زیرا انسان تا خود را فروتر از دیگران نبیند فراتری آنها را نخواهد دید؛ این روایت قصد دارد انسان را به فروتریش متوجه سازد تا از فروتری‌هایش غفلت نرزد و فروتری در مقابل فراتری است یعنی اگر فروتری انسان اثبات شود ناگزیر در مقابل فراتری وجود دارد؛ زیرا فروتری و فراتری مثل پایین و بالا متضایفانند؛ اگر یکی پایین بود مطمئناً دیگری بالا خواهد بود؛ افزون بر اینکه این روایت از جهت دیگری نیز فراتری طرف مقابل را اثبات می‌کند و آن اینکه دستور فراتر مطلق یعنی خدا این است که تا جای ممکن فروتری خود را بنگرد و در برابر فراتری احتمالی دیگران تواضع کن؛ پس این بیان از تواضع، درحقیقت تواضع در برابر خدا و اطاعت از اوامر اوست که فراتر مطلق است؛ در هر صورت توجه نداشتن به خدامداری در تواضع

لاک، جان (۱۳۹۱). *رساله‌ای درباره حکومت*. ترجمه حمید عضدانلو. تهران: نشر نی.

لاهیجی، ملا عبدالرزاق بن علی (۱۳۷۲). *گوهر مراد*، تصحیح و تحقیق زین‌العابدین قربانی. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

ماکیاولی، نیکولو (۱۳۷۷). *گفتارها*. ترجمه محمدحسن لطفی. تهران: خوارزمی.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۸). *آموزش فلسفه*، ج ۱. تهران: امیرکبیر.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۶). *زینهار از تکبر! شرح بزرگترین خطبه نهج‌البلاغه در نکوهش متکبران و فخر فروشان*. تدوین و نگارش محسن سبزواری. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۶الف). *فلسفه اخلاق*. تدوین احمد حسین شریفی. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۸). *اخلاق در قرآن*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۹). *حقوق و سیاست در قرآن*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱). *مشکات: ره توشه*. تحقیق و نگارش کریم سبحانی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

مصباح، مجتبی (۱۳۸۸). *بنیاد اخلاق*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۴). *اخلاق در قرآن*، ج ۲. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع).

منتسکیو (۱۳۹۲). *روح القوانين به انضمام درآمدی بر روح القوانين*. تهران: امیر کبیر.

نحاس، ابوجعفر (۱۴۰۹-۱۴۲۸ق). *معانی القرآن الکریم*، مکه: جامعه الام القری.

نراقی، ملا احمد بن مهدی (۱۳۸۵). *معراج السعادة*. قم: هجرت.

نیچه، فریدریش ویلهلم (۱۳۷۵). *فراسوی نیک و بد*. ترجمه: داریوش آشوری. تهران: خوارزمی.

هابز، تامس (۱۳۸۰). *لویاتان*. ترجمه حسین بشیریه. تهران: .

همدانی، میرسیدعلی (۱۳۵۸). *ذخیره الملوك*. تبریز: انتشارات موسسه تاریخ و فرهنگی ایران.

وارنوک، جیمز (۱۳۶۸ش). *فلسفه اخلاق در قرن حاضر*. ترجمه و تعلیقات: صادق لاریجانی. تهران: مرکز ترجمه و نشر کتاب.

حاجی‌اکبری، فاطمه و حیدری، حسین (بهار ۱۴۰۳). *گستره و مبانی فروتنی در عهد جدید*. پژوهش‌های اخلاقی، ۱۴(۵۵)، ص ۶۵-۸۴. قم: دانشگاه قم.

حلی، ابن فهد (۱۳۸۷). *عدة الداعي نجاح الساعي*. قم: موسسه المعارف الاسلامیه.

دشتکی، غیاث‌الدین منصور بن محمد (۱۳۸۶). *اخلاق منصوری*، تصحیح علی محمد پشت‌دار. تهران: امیرکبیر.

دوانی، محمد بن اسعد (۱۳۹۱). *اخلاق جللی*. تهران: اطلاعات.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *مفردات الفاظ القرآن*. دمشق - بیروت: دار القلم - دار الشامیه.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۲۸ق). *الدریة الی مکارم الشریعة*. قاهره: دار السلام.

زمخشری، محمود بن عمر (۱۹۶۵م). *اساس البلاغه*. بیروت: دار صادر.

سبزواری، محمدباقر (۱۳۸۱). *روضه الانوار عباسی*. قم: بوستان.

شیرازی، قطب‌الدین محمود بن مسعود (۱۳۶۹). *دره التاج بخش حکمت عملی و سیر و سلوک*، به کوشش و تصحیح ماهدخت بانو همایی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

صادقی، مسعود (۱۳۹۹). «تحلیل سه تلقی و تعریف از تواضع؛ رویکردهای ارسطو، آگوستین و جولیا درایور». *نشریه اخلاق پژوهی*، ۳(۸)، ص ۸۹-۱۱۰.

صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۹۸۱). *الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۶). *تفسیر قرآن کریم*. قم: بیدار.

صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۱). *کسر اصنام الجاهلیة*. تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (بی‌تا). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: منشورات جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیة.

طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۷). *مجموعه رسائل*. قم: بوستان کتاب.

طبرسی، احمد بن علی (۱۳۸۱). *الاحتجاج علی اهل اللجاج*. تهران: اسلامیه.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان*. تهران: ناصر خسرو.

طوسی، نصیرالدین (۱۳۸۷). *اخلاق ناصری*. تهران: خوارزمی.

عامری‌مهر، فاطمه (۱۳۸۵). *تواضع، بشارت، شماره ۵۷*. قم: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا (ع).

علم‌الهدی، علی بن حسین (۱۴۰۵ق). *رسائل الشریف المرتضی*، ج ۲. قم: دار القرآن کریم.

فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۵ق). *تفسیر الصافی*. تهران: مکتبه الصدر.

کشفی، جعفر بن ابی‌اسحاق (۱۳۸۱). *تحفة الملوك: گفتارهایی درباره حکمت سیاسی*، تحقیق مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی. قم: بوستان کتاب.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *اصول کافی*، ج ۱. تهران: اسلامیه.

لاک، جان (۱۳۸۳). *نامه‌ای در باب تساهل*. ترجمه شیرزاد گلشاهی کریم. تهران: نشر نی.

References

- Aḥmadī, H. (2019). "Rawish-i ma'nāshināsī-yi akhlāq az manzar-i Āyat Allāh Mišbāḥ Yazdī". *'Ayyār-i Pizhūhish dar 'Ulūm-i Insānī*, 10(19), pp. 5-16. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. (in Persian)
- Aḥmadī, H. (2024). "Tafsīrī dar bāra-yi tamāyuz-i ḥadd-i nišāb-i akhlāqī wa tarbiyat-i akhlāqī az manzar-i Āyat Allāh Mišbāḥ". *Jostārḥā-yi dar Falsafa wa Kalām*, 56(112), pp. 107-123. (Original work published 1403 AH). (in Persian)
- Anṣārīyān, H. (2009). *Tawāḍu' wa āthār-i ān*. (M. Fayḍpūr, Ed.). Qom: Dār al-'Irfān. (Original work published 1388 AH). (in Persian)
- Aristotle (1999). *Akhlāq-i Nīkūmākhūs (Nicomachean Ethics)*. (M. H. Luṭfī, Trans.). Tehran: Tarḥ-i Naw. (Original work published 1378 AH). (in Persian)
- Augustine (2012). *Shahr-i Khudā (The City of God)*. (H. Tawfiqī, Trans.). Qom: University of Religions and Denominations. (Original work published 1391 AH). (in Persian)
- 'Āmirī Mehr, F. (2006). "Tawāḍu'". *Bishārat*, 57. Qom: Imam Reza (AS) Institute of Islamic Sciences. (Original work published 1385 AH). (in Persian)
- Dashtakī, Gh. (2007). *Akhlāq-i Maṣṣūrī*. (A. M. Pushtdār, Ed.). Tehran: Amīr Kabīr. (Original work published 1386 AH). (in Persian)
- Dawānī, M. (2012). *Akhlāq-i Jalālī*. Tehran: Ittīlā'āt. (Original work published 1391 AH). (in Persian)
- Fayḍ Kāshānī, M. (1994). *Tafsīr al-Šāfi*. Tehran: Maktabat al-Šadr. (Original work published 1415 AH). (in Arabic)
- Hamadānī, Mīr Sayyid 'Alī (1979). *Dhakhrat al-mulūk*. Tabriz: Publications of the Institute of Iranian History and Culture. (Original work published 1358 AH). (in Persian)
- Hobbes, T. (2001). *Līwyāthān (Leviathan)*. (H. Bashīrīyya, Trans.). Tehran: Publisher unknown. (Original work published 1380 AH). (in Persian)
- Hājī Akbarī, F., & Ḥaydarī, H. (2024). "Gustara wa mabānī-yi furūtanī dar 'ahd-i jadīd". *Pizhūhishā-yi Akhlāqī*, 14(55), pp. 65-84. Qom: University of Qom. (in Persian)
- Hillī, Ibn Fahd (2008). *'Uddat al-dā'ī wa najāḥ al-sā'ī*. Qom: Mu'assasat al-Ma'ārif al-Islāmiyya. (Original work published 1387 AH). (in Arabic)
- Ibn Bābawayh, M. (1997). *al-Amālī*. Tehran: Kitābchī. (Original work published 1376 AH). (in Arabic)
- Ibn Manzūr, M. (1994). *Lisān al-'Arab*. Beirut: Dār Šādir. (in Arabic)
- Ibn Miskawayh, A. (1998). *al-Ḥikma al-khālida (Akhlāq-i jāvdān)*. Tehran: University of Tehran. (Original work published 1377 AH). (in Arabic)
- Ibn Sīnā, H. (1989). "Risāla fī 'ilm al-akhlāq". In *Tis' rasā'il fī al-ḥikma wa al-ṭabī'iyyāt*. Cairo: Dār al-'Arab. (in Arabic)
- 'Ilm al-Hudā, 'A. (1984). *Rasā'il al-Sharīf al-Murtaḍā* (Vol. 2). Qom: Dār al-Qur'ān al-Karīm. (Original work published 1405 AH). (in Arabic)
- Imam Khomeini, R. (2009). *Sharḥ-i ḥadīth-i junūd-i 'aql wa jahl*. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. (Original work published 1388 AH). (in Persian)
- Imam Khomeini, R. (n.d.). *Kashf al-asrār*. Place unknown: Publisher unknown. (Original work published n.d., "Bī-tā"). (in Persian)
- Iranī Tarfī, 'A. M. (2005). *Farhang-i abjadī-yi lugāt-i Qurān-i karīm*. Qom: A'imma. (Original work published 1384 AH). (in Persian)
- Izutsu, T. (1999). *Maḥāḥim-i akhlāqī-dīnī dar Qurān-i majīd (Ethico-Religious Concepts in the Qur'an)*. (F. Badra'ī, Trans.). Tehran: Farzān Rūz. (Original work published 1378 AH). (in Persian)
- Javādī Āmulī, 'A. (2002). *Adab-i fanā-yi muqarrabān, sharḥ-i zīyārat-i jāmi'a-yi kabīra*. Qom: Isrā' Publishing Center. (Original work published 1381 AH). (in Persian)
- Javādī Āmulī, 'A. (2004). *Tafsīr-i mawḍū'ī-yi Qurān-i majīd*. Qom: Isrā' Publishing Center. (Original work published 1383 AH). (in Persian)
- Jawharī, I. (1957). *al-Šiḥāḥ: Tāj al-lughā wa šīḥāḥ al-'arabiyya*. (A. 'A. 'Atṭār, Ed.). Beirut: Dār al-'Ilm li-l-Malāyīn. (Original work published 1376 AH). (in Persian)
- Kashfī, J. (2002). *Tuḥfat al-mulūk*. Qom: Būstān-i Kitāb. (Original work published 1381 AH). (in Arabic)
- Kulaynī, M. (1986). *Uṣūl al-Kāfi* (Vol. 1). Tehran: Islāmiyya. (Original work published 1407 AH). (in Persian)
- Lāhījī, M. (1993). *Gawhar-i murād*. (Z. Qurbānī, Ed.). Tehran: Organization of Printing and Publishing of the Ministry of Culture and Islamic Guidance. (Original work published 1372 AH). (in Persian)
- Locke, J. (2004). *Nāma'ī dar bāb-i tasāḥul (A Letter Concerning Toleration)*. (Sh. Gulshāhī Karīm, Trans.). Tehran: Nay. (Original work published 1383 AH). (in Persian)

- Locke, J. (2012). *Risāla'ī dar bāra-yi ḥukūmat* (Second Treatise of Government). (H. 'Azdanlū, Trans.). Tehran: Nay. (Original work published 1391 AH). (in Persian)
- Machiavelli, N. (1998). *Gufthā-hā* (Discourses). (M. H. Luṭfī, Trans.). Tehran: Khwārazmī. (Original work published 1377 AH). (in Persian)
- Majlisī, M. B. (1982). *Biḥār al-anwār*. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī. (Original work published 1403 AH). (in Persian)
- Makārim Shīrāzī, N. (2005). *Akhlāq dar Qur'ān* (Vol. 2). Qom: Madrasat al-Imām 'Alī ibn Abī Ṭālib (AS). (Original work published 1384 AH). (in Persian)
- Miṣbāḥ, M. (2009). *Bunyād-i akhlāq*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. (Original work published 1388 AH). (in Persian)
- Miṣbāḥ Yazdī, M. T. (1999). *Āmūzish-i falsafa* (Vol. 1). Tehran: Amīr Kabīr. (Original work published 1378 AH). (in Persian)
- Miṣbāḥ Yazdī, M. T. (2007). *Falsafa-yi akhlāq* (Philosophy of Ethics). (A. H. Sharīfī, Ed.). Tehran: Islamic Propagation Organization. (Original work published 1386 AH [1386a]). (in Persian)
- Miṣbāḥ Yazdī, M. T. (2007). *Zīnḥār az takabbur! Sharḥ-i buzurgtarin khuṭba-yi Nahj al-balāgha dar nikūhish-i mutakabbirān wa fakhri-furūshān*. (M. Sabziwārī, Ed.). Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. (Original work published 1386 AH). (in Persian)
- Miṣbāḥ Yazdī, M. T. (2009). *Akhlāq dar Qur'ān*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. (Original work published 1388 AH). (in Persian)
- Miṣbāḥ Yazdī, M. T. (2010). *Huqūq wa siyāsāt dar Qur'ān*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. (Original work published 1389 AH). (in Persian)
- Miṣbāḥ Yazdī, M. T. (2012). *Mishkāṭ: Rāh tūsha*. (K. Subḥānī, Ed.). Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. (Original work published 1391 AH). (in Persian)
- Montesquieu (2013). *Rūḥ al-qawānīn* (The Spirit of the Laws). Tehran: Amīr Kabīr. (Original work published 1392 AH). (in Persian)
- Nahḥās, A. (1988-2007). *Ma'ānī al-Qur'ān al-karīm*. Mecca: Umm al-Qurā University. (Original work published 1409-1428 AH). (in Persian)
- Narāqī, M. (2006). *Mi'rāj al-sa'āda*. Qom: Hijrat. (Original work published 1385 AH). (in Persian)
- Nietzsche, F. W. (1996). *Farā-sū-yi nīk wa bad* (Beyond Good and Evil). (D. Āshūrī, Trans.). Tehran: Khwārazmī. (Original work published 1375 AH). (in Persian)
- Plato (2001). *Dawra-yi kāmīl-i āthār-i Afllāṭūn* (Complete Works of Plato). (M. H. Luṭfī, Trans.). Tehran: Khwārazmī. (Original work published 1380 AH). (in Persian)
- Rāghib Iṣfahānī, H. (1991). *Mufradāt alfāz al-Qur'ān*. Damascus-Beirut: Dār al-Qalam & Dār al-Shāmiyya. (Original work published 1412 AH). (in Persian)
- Rāghib Iṣfahānī, H. (2007). *al-Dharī'a ilā makārim al-sharī'a*. Cairo: Dār al-Salām. (Original work published 1428 AH). (in Arabic)
- Sabziwārī, M. (2002). *Rawḍat al-anwār-i 'Abbāsī*. Qom: Būstān. (Original work published 1381 AH). (in Arabic)
- Spinoza, B. de (2011). *Akhlāq* (Ethics). (M. Jahāngīrī, Trans.). Tehran: Academic Jihad Center. (Original work published 1390 AH). (in Persian)
- Shīrāzī, Quṭb al-Dīn Maḥmūd ibn Mas'ūd (1990). *Durrat al-tāj (baḥsh-i ḥikmat-i 'amalī wa sayr wa sulūk)*. (M. B. Humā'ī, Ed.). Tehran: Scientific and Cultural Publications Company. (Original work published 1369 AH). (in Arabic)
- Šādiqī, M. (2020). "Taḥlīl-i siḥ talqī wa ta'rīf az tawādu'; rawishhā-yi Arastū, Āgūstīn wa Jūliyā Drāyvir". *Akhlāq-pizhūhī*, 3(8), pp. 89-110. (Original work published 1399 AH). (in Persian)
- Šadr al-Dīn Shīrāzī, M. ibn I. (1981). *al-Ḥikma al-muta'aliya fī al-asfār al-'aqliyya al-arba'a*. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī. (in Persian)
- Šadr al-Dīn Shīrāzī, M. ibn I. (1987). *Tafsīr-i Qur'ān-i karīm*. Qom: Bīdār. (Original work published 1366 AH). (in Arabic)
- Šadr al-Dīn Shīrāzī, M. ibn I. (2002). *Kasr aṣnām al-jāhiliyya*. Tehran: Sadra Islamic Philosophy Foundation. (Original work published 1381 AH). (in Arabic)
- Ṭabāṭabā'ī, S. M. H. (n.d.). *al-Mizān fī tafsīr al-Qur'ān*. Qom: Publications of Jāmi'at al-Mudarrisīn fī al-Ḥawza al-'Ilmiyya. (Original work published n.d., "Bī-tā"). (in Arabic)
- Ṭabāṭabā'ī, M. H. (2008). *Majmū'a-yi rasā'il*. Qom: Būstān-i Kitāb. (Original work published 1387 AH). (in Arabic)
- Ṭabarsī, A. (2002). *al-Iḥtijāj 'alā ahl al-lijāj*. Tehran: Islāmiyya. (Original work published 1381 AH). (in Arabic)

- Ṭabarsī, F. (1993). *Majma` al-bayān*. Tehran: Nāṣir Khusraw. (Original work published 1372 AH). (in Arabic)
- Tikrītī, N. (1982). *al-Falsafa al-akhlāqiyya al-aflāṭūniyya*. Beirut: Dār al-Andalus. (Original work published 1402 AH). (in Arabic)
- Ṭūsī, N. (2008). *Akhlāq-i Nāṣirī*. Tehran: Khwārazmī. (Original work published 1387 AH). (in Persian)
- Warnock, J. (1989). *Falsafa-yi akhlāq dar qarn-i ḥāẓir (Ethics Since 1900)*. (Ş. Lārījānī, Trans. & Comm.). Tehran: Translation and Publishing Center. (Original work published 1368 AH). (in Persian)
- Zamakhsharī, M. (1965). *Asās al-balāgha*. Beirut: Dār Ṣādir. (in Arabic)